

ضرورت پاسداشت حق بر حریم خصوصی در مبارزه با تروریسم در اروپا^۱

احمد رضا سلیمان زاده^۱، شبنم برنجی^۲

^۱ استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

^۲ کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه (نویسنده مسئول)

چکیده

در این پژوهش به بررسی ضرورت پاسداشت حق بر حریم خصوصی در مبارزه با تروریسم پرداخته شده که با توجه به هدف کاربردی تحقیق از روش تحقیق کتابخانه‌ای، استفاده شده است. می‌توان گفت وقایع اخیر خاورمیانه و اروپا، بخصوص اقدام تروریستی گروه داعش در کشور فرانسه و جنگ و درگیریها در خاورمیانه و هجوم سیل مهاجران و پناهندگان به اروپا، دولتهای قاره سبز و همچنین نهادهای حقوق بشری را با هجمه‌ای از تهدیدات روبه رو کرده است که آنان را ناگزیر از اعمال محدودیتها و اقدامات امنیتی کرده است. بی‌گمان، این اقدامات، حقوق شهروندان را محدود کرده و بخصوص، زندگی شخصی آنها را تحت تأثیر مداخله‌ها و ارزیابیهای قوای حاکمه قرار می‌دهد. همچنین حریم خصوصی شهروندان به انحاء دیگر نیز مورد مداخله و محدودیت واقع می‌شود. واضح و مبرهن است که حق بر حریم خصوصی، هم از نقطه نظر سایر اسناد بین المللی حقوق بشری و هم در نگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و در زمره حقوق غیرقابل عدول نبوده و می‌توان این حق را در شرایط استثنایی محدود کرد؛ بنابراین، در حالت فوق‌العاده امروزی که اروپا دچار آن است، دول عضو، تنها در صورتی که شرایط استناد به ماده ۱۵ کنوانسیون فراهم آید، می‌توانند حق بر حریم خصوصی شهروندان را محدود کنند و به یقین نمی‌توانند به طور خودسرانه از ماده ۱۵ بهره برده و در حقوق شهروندان مداخله کنند؛ بنابراین، بر اساس معیارهایی که دیوان و کمیسیون اروپایی حقوق بشر به دست می‌دهند، به نظر می‌آید عمل دولت فرانسه در واکنش به حملات تروریستی اخیر در چارچوب ماده ۱۵ و رویه دیوان، قابل توجیه و پذیرش باشد اما از آنجاییکه عمل نهادهای ضدتروریستی ایالات متحده، به نحوی که گفته شد، وضعیت فوق‌العاده عینیت نیافته است، اگر به ورود به حریم شخصی شهروندان انجامد، قطعاً منطبق با موازین حقوق بشری نخواهد بود.

واژه‌های کلیدی: حریم خصوصی، تروریسم، حقوق بشر.

^۱ این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد شبنم برنجی به راهنمایی دکتر احمد رضا سلیمان زاده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه استخراج شده است.

مقدمه

یکی از بدیهی‌ترین حقوق شناخته شده بشر، حق آزادی و امنیت است و بالتبع، بخشی لاینفک از اسناد حقوق بشری محسوب می‌شود. دولتها نیز همواره علاوه بر اسناد جهانی و منطقه‌ای در قوانین داخلی خود، بر لزوم شناسایی و احترام به این حقوق تأکید دارند.

بیان مسئله

بدون شک یکی از معضلات جهان کنونی پدیده تروریسم است که حیات انسانها را تهدید می‌کند، روابط دوستانه میان کشورها را در معرض خطر قرار می‌دهد، امنیت دولتها را مخدوش می‌کند و یکی از موانع جدی و اساسی برای دستیابی بشر به صلح و امنیت است و از طرفی، اگرچه تروریسم به طور گسترده به عنوان یک رویکرد عملی مورد استفاده گروههای مختلف قرار می‌گیرد اما نباید آن را یک پدیده مجرد و غیر وابسته به سایر علل و عوامل دانست؛ برای فهم بهتر این پدیده لازم است آن را در ساختار مجموعه‌ای که در آن واقع می‌شود مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و در همین راستاست که در اقصی نقاط دنیا، تروریسم نه یک تاکتیک بلکه یک استراتژی است.

موضوع مقابله با تروریسم از محدود موضوعاتی است که اکثر کشورها و ملت‌ها بر روی آن اجماع نظر دارند. البته این اجماع نظر کلی و اجمالی است، دولتها و ملتهای مختلف برداشتی خاص خود را از این پدیده دارند؛ به طوری که به رغم گذشت بیش از ۶۰ سال از طرح موضوع تروریسم در سطح بین المللی و خلق آثار فراوانی (کنوانسیون‌های بین المللی و منطقه‌ای) در شناخت و مبارزه با آن، هنوز نظر قاطعی درباره مفهوم تروریسم، تعریف و مصداق دقیقی از آن در نزد افکار عمومی، اصول و مصادیق مبارزه با آن در سطح بین الملل و افکار عمومی وجود ندارد.

اگر انسان در جزیره‌ای دور دست، تک و تنها و به دور از هموعان خود زندگی می‌کرد، شاید نیازی به شناسایی حق، وظیفه و تکلیف برای وی احساس نمی‌شد. ولی واقعیت این است که انسان در اجتماع زندگی می‌کند و زندگی در اجتماع ایجاب می‌نماید که حق، تکلیف و وظیفه‌ای برای هر یک از افراد جامعه شناسایی شود، چون اگر غیر از این باشد بی‌نظمی، هرج و مرج، کشمکش، استبداد، بی اعتمادی و سکون و ناملازمات دیگر بر اجتماع حاکم خواهد شد؛ بنابراین شناسایی حق برای افراد در اجتماع نه تنها ضروری بلکه لازم می‌باشد. از اینرو است که حق جایگاه ارزشمندی در بین مباحثات حقوقی، سیاسی و اجتماعی دارد و آن را در دانش حقوق به عنوان قطب و پایه تمام بحث‌ها و همزاد عدالت شمرده‌اند. یکی از حقوق اساسی بشر که وی را در مقابل تعرضات دیگران به زندگی خصوصی‌اش و نیز مداخلات ناروای دولتها مورد حمایت قرار می‌دهد، «حق بر حریم خصوصی» یا به عبارتی «حق خلوت» است. این حق که ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با حفظ کرامت، حیثیت، شخصیت، توسعه ارتباطات شخصی، خودمختاری و استقلال فردی، توسعه الفت و صمیمیت بین افراد و دیگر ارزش‌های مهم بشری دارد، امروزه جایگاه ویژه‌ای در مباحثات حقوقی و سیاسی دنیا دارد، به طوری که همواره به عنوان یکی از نمودهای حقوق بشر در عصر حاضر مطرح بوده و هست.

جایگاه «حق بر حریم خصوصی» در نظام حقوقی یک کشور از دو منظر قابل بررسی است: یکی از منظر حمایتی؛ یعنی می‌توان با جرم انگاری رفتارهای ناقض این حق و نیز اقدامات قضایی به مقابله با کسانی پرداخت که زندگی خصوصی و خلوت شهروندان را مورد تعرض قرار می‌دهند. دیگری از منظر مداخله و تهدید؛ یعنی دولت ممکن است در قلمرو خلوت و حریم خصوصی شهروندان اقدام به مداخله، ایجاد محدودیت و جرم انگاری در برابر اختیار و انتخاب آنها نماید یا ممکن است این حریم توسط مقامات کیفری و امنیتی در راستای کشف و تحقیق جرائم مورد نقض و تعرض قرارگیرد یا حتی ممکن است پیشگیری از وقوع جرم یا حفظ نظم اجتماعی، اخلاقی، بهداشتی و سیاسی موجبات دخالت در خلوت و زندگی خصوصی شهروندان را فراهم کند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

بدیهی است که مباحثی همچون ریشه‌ها و گونه‌های ترور و تروریسم، موضعگیری اسلام در خصوص تروریسم، اصول راهبردی اسلام برای مقابله با تروریسم، نظرات و مواضع رهبران ملتها در خصوص مقابله با تروریسم و مواردی از این قبیل در خصوص مقابله با تروریسم برای حفظ حریم خصوصی اشخاص حائز اهمیت است.

سوابق و پیشینه تحقیق

نبی اله کشوری (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان مطالعه تطبیقی مبارزه با تامین مالی تروریسم در حقوق ایران و حقوق بین الملل بیان داشت یکی از راه‌های مبارزه با پدیده تروریسم، مبارزه با تامین مالی آن است. به این منظور کشورها خود بطور مستقیم یا از طریق سازمان ملل متحد مبادرت به تهیه اسناد و مقرراتی جهت مسدود نمودن راه‌های تامین مالی تروریسم نموده‌اند. از جمله آنها قطعنامه‌های شورای امنیت، به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۰۰۱، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تامین مالی تروریسم (۱۹۹۹) تدوین شده توسط سازمان ملل متحد، توصیه‌های ویژه هشتگانه و نیز برخی از توصیه‌های مرتبط چهل‌گانه گروه اقدام مالی می‌باشد. کشور ایران تاکنون عضو بسیاری از کمیسیونهای مبارزه با تامین مالی تروریسم شده است علاوه بر این قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۸۶) و همچنین آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۸۸) را تصویب نموده است. نتایج حاصل از تحقیق حاضر بیانگر این است که حقوق ایران با حقوق بین الملل در زمینه تامین مالی تروریسم منافاتی ندارد و ایران با وجود اینکه از مجموع ۱۱ کنوانسیون بین المللی موجود در زمینه تامین مالی تروریسم تنها به عضویت کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم (۷ اکتبر ۱۹۹۹) در نیامده است اما مفاد آن کنوانسیون را نیز رعایت می‌نماید.

محمود ملک‌پور (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان صلاحیت دولتها در خصوص مبارزه با تروریسم در ساختار حقوق بین‌الملل: مطالعه‌ی موردی صلاحیت آمریکا در مداخلات پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بیان داشت کنوانسیونهای ضد تروریسم و مسأله صلاحیت دولتها در تعقیب و مجازات متهمان به ارتکاب اعمال تروریستی موضوع ایجاد صلاحیت (کیفری) نسبت به متهمان اعمال تروریستی یکی از مشکلات موجود در مبارزه با تروریسم بین الملل است. در حال حاضر دولتها ملزم به استرداد متهمان یا محاکمه آنها نیستند و تکلیف دولتها در استرداد متهمان بر اساس معاهده استرداد صورت می‌گیرد. این کنوانسیونها که بر سیستم اجرایی غیر مستقیم تأکید دارند، بر اصل استرداد یا مجازات، پایه گذاری شده اند. بر این اساس، دولتهای عضو موظفند تا متهمان در قلمرو خود را محاکمه و یا به دولت عضو دیگری که تقاضای استرداد دارد، تسلیم کنند. این مطالعه سعی دارد تا ضمن بررسی سیستم اجرایی موجود در کنوانسیونهای ضد تروریسم و ویژگیهای آن، میزان تأثیر و توفیق چنین سیستمی را در برخورد با تروریسم بین الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. روش تحقیق به صورت، توصیفی و تحلیلی، با استفاده از منابع و اطلاعات کتابخانه ای است. در این میان دو سوال مطرح می‌شود: ۱- مبنای صلاحیت آمریکا در خصوص مبارزه با تروریسم در مداخلات پس از ۱۱ سپتامبر در حقوق بین الملل چیست؟ ۲- آیا مداخلات آمریکا عمدتاً در چارچوب حقوق بین الملل بوده یا بر اساس منافع ملی ایالات متحده آمریکا شکل گرفته است؟ بررسی و تحلیل سوالات فوق فرضیه‌هایی را مشخص می‌کند که طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل بررسی خواهد شد، سازمان ملل متحد تاکنون نتوانسته در مبارزه با تروریسم موفقیت چندانی داشته باشد هر چند کنوانسیونها و قطعنامه‌های زیادی به تصویب رسیده ولی موفقیت آمیز نبوده است. واز وظایف و تعهدات خود به دور مانده است از این رو باید نگرشی تازه در مورد این رکن سازمان ملل اعمال شود.

مهران تقی‌زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان رعایت موازین حقوق بشر در مبارزه علیه تروریسم بیان داشت به منظور بررسی مبارزه علیه تروریسم، فرض بر آن بود که رعایت قواعد حقوق بشر در مبارزه علیه تروریسم نه تنها مانع مبارزه با پدیده تروریسم نشده بلکه در صورت عدم رعایت این قواعد دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی غیر ممکن است. برای اثبات فرضیه رویه برخی دولتها و دیدگاه‌های سازمان ملل متحد در این زمینه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و برای تبیین هر چه بیشتر قوانین قابل اجرا در این مبارزه و امکان مقابله با تروریسم در دو بستر مختلف: ۱- حالت اضطراری ۲- وضعیت صلح پرداخته شده و برخی از حقوق بنیادین که در راستای این مبارزه در معرض آماج حملات قرار دارند و همچنین به بررسی حاکمیت

قواعد حقوق بشری و نتایج عدم رعایت قواعد حقوق بشری ناظر در مبارزه علیه تروریسم و در پایان نظریات شورای حقوق بشر و سایر نهادها در خصوص نقض قواعد حقوق بشر در مبارزه علیه تروریسم مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

سوالات تحقیق

سوال اصلی:

۱- آیا مبارزه علیه تروریسم مستلزم عدم رعایت تمام یا قسمتی از حق بر حریم خصوصی افراد است؟

سوالات فرعی:

- ۱- مصادیق حریم خصوصی با توجه به اسناد بین المللی و تهدیدهای موجود علیه آنها کدامند؟
- ۲- حقوق بین الملل چه دیدگاههایی نسبت به جرایم ارتكابی علیه حریم خصوصی دارد؟ و چه مجازاتهایی را برای ناقضین آن پیش بینی کرده است؟
- ۳- حریم خصوصی در مورد اشخاص و دولتها چه حوزه‌هایی را شامل می‌شود؟
- ۴- حریم خصوصی شهروندان در قوانین بین المللی به ویژه مقررات کیفری چه موقعیتی دارد؟

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی:

۱- به نظر می‌رسد رعایت قواعد حقوق بشر در مبارزه علیه تروریسم نه تنها مانع مبارزه با پدیده تروریسم نشده بلکه در صورت عدم رعایت این قواعد دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی غیر ممکن است.

فرضیات فرعی:

- ۱- به نظر می‌رسد مصادیق حریم خصوصی عبارتند از حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی، مکاتبات افراد، استقلال افراد و دولتها که توسط اشخاص و دولتها تهدید می‌شوند.
- ۲- به نظر می‌رسد در حقوق بین الملل دولتها نباید در حریم خصوصی دیگران مداخله کنند و با تدوین یک چهارچوب تقنینی اشخاص حقیقی و حقوقی را نیز از آن منع کنند. در صورتی که ناقض حریم خصوصی دولتها باشند مجازاتهایی مثل پرداخت غرامت، محاصره اقتصادی و ... را به دنبال خواهد داشت و از طرف دیگر دولتها باید حقوق بین الملل را در حقوق داخلی به رسمیت بشناسند و در موارد نقض حریم خصوصی بر اساس قوانین داخلی رسیدگی کنند.
- ۳- به نظر می‌رسد در مورد اشخاص حریم خصوصی در چهار مقوله مهم جسمانی، مکانی، اطلاعات و ارتباطات مطرح می‌شود؛ اما در مورد کشورها، فعالیت‌های نظارتی و مراقبتی سایر دولتها در خصوص حریم سرزمینی یک دولت حاکم، بدون کسب اجازه از آن دولت، نقض حقوق حاکمیتی آن محسوب خواهد شد.
- ۴- به نظر می‌رسد تدابیر حمایتی بین المللی حقوق بشر از حریم خصوصی شهروندان، ناکافی است.

این تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و با بررسی این موضوع در کتابهای حقوق اساتید مختلف سعی در تبیین این موضوع شده است. در این تحقیق از مقالات معتبر به دلیل کمبود منبع در این زمینه استفاده بیشتری شده است رجوع به منابع پایه از قبیل قوانین، قراردادها، اسناد و مقررات اصلی‌ترین منبع جمع آوری اطلاعات می‌باشد. همچنین منابع دیگری از قبیل پایان نامه‌ها، گزارش‌ها، کتابها، تقریرات، مقالات و اطلاعاتی که در این زمینه در شبکه جهانی اینترنت وجود دارد مورد استفاده قرار گرفته است. برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و فیش برداری استفاده خواهد شد **تروریسم در لغت و اصطلاح**

واژه «ترور»^۱ از ریشه ی لاتین ترس^۱ به معنای ترساندن، ترس و وحشت است و واژه «تروریسم»^۲ و «تروریست»^۳ به نسبت واژه‌هایی نوپا هستند.^۴ این واژه در فارسی به معنای ترس شدید، وحشت، دلهره و تهدید غیر عادی و دور از انتظار آمده است.^۵

^۱. terror.

لغت نامه دهخدا تروریسم را به معنای «اصول حکمت وحشت و فشار» معرفی می‌کند؛ اصولی که در طی دوره ی ۹۴-۱۷۹۳ در فرانسه حاکم بوده است، چه کلمه تروریسم، برای اولین بار، در زبان فرانسه در حوزه ی مباحث سیاسی به کار برده شده که کلمه *terreur* یا *terrorisme* همان معانی مذکور گذشته را در بر داشته اند.^۶ واژه معادل تروریسم در زبان عربی «ارهاب» است این کلمه که از مصدر «رهبه» و تنها در دوره اخیر در زبان عربی به معنای تروریسم به کار رفته است، به معنای خوف، دلهره و وحشت می‌باشد.^۷ و پیش تر بدین معنا به کارنمی رفته است. امروزه تروریسم در اصطلاح به معنای به کارگیری خشونت و ایجاد وحشت بین مردم رایج شده است.

تعریف تروریسم در حقوق داخلی دیگر کشورها

تعریف تروریسم در حقوق انگلستان

قانون تروریسم انگلستان، مصوب سال ۲۰۰۰ یکی از بزرگترین نوع قانونگذاری تروریسم در سطح دولت‌های عضو اتحادیه اروپاست.^۸ بر اساس این قانون: تروریسم عبارت است از به کارگیری یا تهدید به استفاده از عملیاتی که واجد شرایط ذیل باشد: الف) عملیات انجام شده یا تهدید به آن از موارد مندرج در بند دو باشد؛

ب) استفاده یا تهدید به این عملیات، برای تأثیر گذاری بر روی دولت و یا هراس مردم یا بخشی از مردم طراحی شده باشد؛ ج) به کارگیری یا تهدید به استفاده از این عملیات، به منظور رسیدن به یک هدف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیکی باشد. ماده ۳۴ این قانون، عنصر دوم را با افزودن مورد دیگری تکمیل نموده است. این مورد، عبارت است از به کارگیری یا تهدید به عملیاتی که برای تأثیر گذاری بر روی یک سازمان دولتی بین المللی، طراحی شده باشد. در صورتی که استفاده و یا تهدید به عملیات مندرج در بند دو از طریق سلاح گرم و یا مواد منفجره باشد، تحقق عنصر دوم لازم نیست؛ و بالاخره، عنصر سوم اینکه، به کار گیری یا تهدید به استفاده از این عملیات، به منظور رسیدن به یک هدف سیاسی، مذهبی و یا ایدئولوژیکی باشد.^۹

تعریف تروریسم در حقوق فرانسه

در فرانسه، تروریسم به عنوان جرم مستقل در بهار ۱۹۸۶ در لایحه مخصوص اقدامات تروریستی، تعریف و جرم انگاری شد و در قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶، یک عنوان جدید به قانون دادرسی کیفری این کشور (مواد ۶-۷۵۶ تا ۲۵-۷۵۶) اضافه شد، ولی بر مبنای قانون مجازات جدید فرانسه در ماده ۳-۴۲۱، حداکثر مجازات این جرم را افزایش داد.^{۱۰} بر اساس ماده ۱-۴۲۱ قانون جزای جدید فرانسه، جرایم تروریستی عبارت است از اعمالی که می‌تواند با تهدید یا ترور به شدت نظم عمومی را مخدوش نماید.^{۱۱} البته در این ماده، فهرست جرایمی که ممکن است مشمول رژیم قضایی جرایم تروریستی شوند، آمده است.^{۱۲} بر اساس این ماده، کافی است که انگیزه ی مجرم، بر هم زدن شدید نظم عمومی به وسیله ارباب یا وحشت باشد، یعنی ترس

^۱. ters.

^۲. terrorism.

^۳. terrorist.

^۴. طیب، علیرضا، تروریسم در فراز و فرود تاریخ، در تروریسم تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق، تهران، نشرنی، ۱۳۸۲، ش، ص ۱۹.

^۵. حق شناس، علی محمد و دیگران، فرهنگ معاصر هزاره، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۷۵۷؛ حبیب، سلیمان، فرهنگ انگلیسی-فارسی حبیب، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰، ش، ص ۵۸۵.

^۶. توکلی، یعقوب، دو نظریه تروریسم و فداکاری در ایران، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸، ش، ص ۱۳-۱۴

^۷. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، انتشارات اعلمی، ۲۰۰۵، ج ۱، ص ۱۵۹۵؛ معلوف، لویس، المنجد فی اللغة و الاعلام، بیروت، دارالمشرق، ۱۴۷۳، ج ۱، ص ۲۸۲.

^۸. Proposal for a COUNCIL FRAMEWORK DECISION on combating terrorism (presented by the Commission) Brussels, COM (2001) final,

P

^۹. <http://www.opsi.gov.uk/acts2000/ukpga-200000011-en-2#pt1>: U. K. Terrorism Act 2000 (c. 11): part 1: Introductory, terrorism

^{۱۰}. استفانی، گاستون، ژرژ، لواسورو، برنارد، بلوک، حقوق جرای عمومی، ترجمه حسن دادبان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۹۰.

^{۱۱}. Proposal for a COUNCIL FRAMEWORK DECISION on combating terrorism (presented by the Commission) Brussels, COM (2001) final, P.10.0.

^{۱۲}. استفانی، پیشین.

جمعی مردم برای وادار کردن آنها یا تحریک دولت به تسلیم شدن، اما تعداد شرکت کنندگان اهمیت ندارد؛ زیرا این قانون، یک «طرح فردی» را نیز کافی می‌داند.^۱

تعریف «تروریسم بین المللی»

بر خلاف حقوق داخلی، در حقوق بین الملل، بنابر قاعده باید بحث از تعریف تروریسم بین الملل باشد، همان گونه که برخی خواسته اند از تروریسم بین المللی، تعریف مستقلی ارائه نمایند، اما به نظر می‌رسد تعریف تروریسم داخلی و بین المللی به خودی خود با هم تفاوتی ندارد، ولی در موضوع تروریسم نیز مانند هر جرم دیگری، آنگاه که پای بیش از یک کشور به میان بیاید (به این معنا که مجرم، قربانی جرم و محل جرم هر سه از یک کشور نباشد)، جنبه ی بین المللی پیدا می‌کند؛ به عبارت دیگر، این بین المللی بودن تروریسم، در ماهیت آن تغییری ایجاد نمی‌کند، اگر چه آثار حقوقی از ناظرین دادرسی، به ویژه صلاحیت دادگاه و استرداد مجرم خواهد داشت.

در ماده سه کنوانسیون، مبارزه با بمب گذاری تروریستی، مصوب سازمان ملل، به همین نکته اشاره شده است که کنوانسیون، شامل مواردی نخواهد شد که جرم در کشور واحد انجام شده باشد و نیز در مواردی که متهم و قربانی جرم، هر دو از همان دولت (یعنی همان دولتی که جرم در آن واقع شده است) باشند و نیز مواردی که متهم در سرزمین همان دولت یافت شود و دولت دیگری بر اساس پاراگراف یک یا دو از ماده شش این کنوانسیون، نظر دیگری برای اعمال صلاحیت خود نداشته باشد، به استثناء مواردی که باید مقررات ماده ۱۰ تا ۱۵ به نحو مقتضی اعمال شود.^۲ مشابه همین مسئله در ماده سه کنوانسیون بین المللی منع حمایت مالی از تروریسم نیز آمده است، با این تفاوت که در این ماده، سخنی از قربانی جرم به میان نیامده است، به این دلیل که ظاهراً جرایم مربوط به حمایت مالی از تروریسم، به خودی خود، یعنی بدون تحقق عملیات تروریستی، قربانی جرم ندارد.^۳

تعریف نهایی از تروریسم

اگر چه ارائه تعریفی که مستفاد از یک نظام حقوقی خاصی باشد در حال حاضر به دلیل اختلاف زیاد کشورها در مورد مفهوم تروریسم ممکن نیست، ولی می‌توان تعاریفی را به عنوان الگو و نمونه برای قانونگذاری ارائه نمود، اگر چه بهترین روش در جرم انگاری تروریسم این است که بدون ارائه تعریف جزئی از آن، به مصادیق خاصی ارائه شود، چنانچه بیشتر کشورها از این روش، پیروی نموده اند، اما به هر حال، با توجه به عناصر مشترک یاد شده، در تعریف کلی از تروریسم می‌توان گفت: «تروریسم عبارت است از به کارگیری اقدامات خشونت بار شدید و غیر قانونی، بر ضد جان و یا مال عموم شهروندان غیر نظامی یا بخشی از آنان و یا تهدید به آن، به منظور ایجاد هراس عمومی».

مفهوم شناسی حریم خصوصی در اسناد بین المللی

«حریم خصوصی، حق افراد برای برخورداری از حمایت در برابر مداخله بی اجازه ی دیگران، در امور زندگی خود و خانواده شان است؛ خواه این عمل با ابزار مستقیم فیزیکی صورت پذیرد؛ یا به وسیله ی نشر اطلاعات.»^۴

«حریم خصوصی عبارتست از حق اشخاص، گروهها، یا مؤسسات، نسبت به تصمیم گیری در خصوص این که چه زمانی و تا چه حدی، اطلاعات مربوط به آنها باید در اختیار دیگران قرار بگیرد.»^۵

^۱ همان، پیشین.

^۲ International Convention for Suppression of Terrorist Bombing G.A. Res. 164, U. N. GAOR., 52nd Sess., Supp. No. 49, at 389, U. N. Doc. A/52/49 (1998), entered into force May 23, 2001.

^۳ International Convention for Suppression of the Financing of Terrorism, adapted by the General Assembly of the United Nations on 9 December 1999.

^۴ - نمک دوست، حسن، اخلاق حرفه‌ای، حریم خصوصی و حق دسترسی به اطلاعات، مجله اطلاع رسانی و کتاب داری رسانه، شماره ۶۶، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱

^۵ Arganoff, M., Controlling the threats to personal privacy, information system management, 1994, p 2.

«حریم شخصی عبارت است از حق به حال خود گذاردن افراد و آزاد بودن آنها از مداخله‌ی غیرمعمول و بدون اجازه در امور شخصی ایشان»^۱

«نقض حریم خصوصی یک اقدام توهین آمیز نسبت به شرافت بشری است؛ و ورود در زندگی خصوصی افراد، شرافت فردی، حیثیت و تمامیت افراد را نابود می‌سازد»^۲

کلمه‌ی Privacy، به معنای خصوصی، تنهایی، خلوت، انحصاری و به معنای مرزی که بعد از آن، اطلاعات از شخص مالک اطلاعات به دیگران انتقال نمی‌یابد.^۳

حریم خصوصی، حق افراد برای حمایت شدن در مقابل وارد شدن بدون اجازه به امور زندگی افراد و خانواده‌هایشان با ابزار مستقیم فیزیکی یا به وسیله‌ی نشر اطلاعات است.^۴

حریم خصوصی، آزادی عمل فرد در خانه و زندگی خصوصی، روابط، مکاتبات، مکالمات و اسرار شخصی است و به عبارتی از نظر تفکر آزادمنش، حریم خصوصی لازمه‌ی تجدید قوا و احساس آرامش و تحقق بخشیدن به شخصیت انسان است که بدون آن فرد به جسمی بدون روح مبدل می‌گردد.^۵ حریم خصوصی حق تنها ماندن، دسترسی محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی‌ها، پنهان ساختن برخی امور از دیگران، کنترل بر اطلاعات شخصی، حمایت از شخصیت و کرامت و حق صمیمیت انسانهاست.^۶

در اعلامیه کنفرانس نروژ^۷ که در سال ۱۹۷۶ برگزار گردیده است؛ حق حریم خصوصی به عنوان حقی نسبت به تنها ماندن، زندگی کردن با سلیقه خود و با حداقل مداخله دیگران تعریف شده است. همانگونه که در بند ۲ این بیانیه آمده است:^۸
حق حریم خصوصی حقی است نسبت به تنها ماندن، زندگی کردن با سلیقه خود و با حداقل مداخله دیگران، به معنای وسیع‌تر حق افراد نسبت به محافظت زیستن خود است از مصادیق آن:

- ۱- مداخله دیگران در زندگی خصوصی، زندگی خانوادگی و منزل آنان.
- ۲- مداخله دیگران در تمامیت جسمانی یا روانی یا در آزادی معنوی و فکری آنان.
- ۳- حملات و تعرضات به آبرو، شهرت و حیثیت آنان.
- ۴- ساختن چهره‌ای کاذب و دروغین از آنان.
- ۵- افشای وقایع نامربوط و آزار دهنده درباره‌ی زندگی خصوصی آنان.
- ۶- استفاده از نام، هویت یا شباهت آنان.
- ۷- جاسوسی کردن، پاییدن و به ستوه آوردن آنان.
- ۸- دستکاری در مکاتبات، مراسلات و مخابرات آنان.
- ۹- سوء استفاده از ارتباطات خصوصی.^۹

معیارهای ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در حمایت از زندگی خصوصی افراد

ارزیابی شکایت فرد، مطابق ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، متضمن استفاده از دو معیار است؛ نخستین معیار، قابلیت اعمال این ماده یا به تعبیر بهتر، نخستین پرسش مطرح شده این است که آیا حقی که ادعای مورد نقض واقع شدن را دارد، واقعاً توسط ماده هشت تضمین شده است؟ در این راستا برای پاسخ دادن به این پرسش، روشن شدن معنای برخی

^۱ - محسنی، فرید و قاسمزاده، فریدون، حریم شخصی در فضای مجازی با تکیه بر حقوق ایران، فصلنامه علمی پژوهشی شریف، ش ۳۴، ۱۳۸۵، ص ۲۲

^۲ - Bloustein, E., Privacy as an aspect of human dignity: an answer to deau proseeor, newyork L.R. (view n.39), 1994, p. 1003

^۳ - کروزن، ال.ب، فرهنگ حقوق، ترجمه قدیر گلکاریان و همکاران، تهران، انتشارات دانشیار، ۱۳۸۴، ص ۶۹۷

^۴ - جعفری، عباس، بررسی حق حریم خصوصی (قسمت اول) مجله تعالی حقوق، شماره ۱، ۱۳۸۵، ص ۴۸

^۵ - طباطبایی مومنی منوچهر، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۵۶

^۶ - Foord, Kate, difining privacy, victorian law reform commission, 2002, p. 1092.

^۷ - Nodric conference

^۸ - انصاری، یاقر، حقوق حریم خصوصی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۰، ص ۱۷

^۹ - Declaration of Nodric Conference: 1976

مفاهیم مانند زندگی خصوصی یا اقامتگاه که در متن این ماده آمده است، ضروری به نظر می‌رسد. اگر قاضی ملی به این نتیجه برسد که حقی که از سوی فرد شاکی ادعا شده است، در چهارچوب ماده هشت مورد حمایت نیست، ماده هشت را غیرقابل اعمال می‌داند و در نتیجه دعوا را غیرقابل پذیرش اعلام می‌کند، اما اگر ماده هشت از سوی محکمه قابل اعمال تشخیص داده شود، قاضی می‌تواند وارد مرحله ارزیابی شود. مورد بسیار شایع، هنگامی است که خواهان، اقدامی دولتی را مخل یکی از حقوق خود مطابق ماده هشت می‌داند. در این شرایط قاضی دادگاه استراسبورگ باید بررسی کند که آیا این اقدام دولت براساس بند دوم ماده هشت به دلیلی قابل توجیه است یا خیر؟ در موارد نادری، خواهان از ترک فعل دولت شکایت می‌کند و بر این اعتقاد است که دولت باید کاری انجام می‌داد، اما به هر دلیل برای حفظ حقوق این افراد مطابق ماده هشت اهمال ورزیده است. در این حالت دادگاه به بررسی این نکته خواهد پرداخت که آیا در اوضاع و احوال پرونده، تعهد مثبتی بر عهده دولت قرار دارد که دست به اقدام بزند یا خیر؟ به اختصار می‌توان دو مرحله اقدام دادگاه را به صورت زیر بیان کرد:

(۱) مرحله نخست: ماده هشت (بند یکم)

آیا شکایت خواهان در حیطه یکی از حقوق مورد حمایت در ماده هشت بند یکم قرار دارد؟
آیا تعهد مثبتی برای رعایت حق یاد شده بر عهده دولت قرار داده شده است و اگر پاسخ مثبت است، آیا دولت از عهده این تعهد بیرون آمده است؟

(۲) مرحله دوم: ماده هشت (بند دوم)

آیا مداخله‌ای از سوی دولت در مورد یکی از حقوق مورد حمایت به عمل آمده است؟
در صورت مثبت بودن پاسخ پرسش بالا، آیا این مداخله:

الف) به وسیله قانون پیش بینی شده است؟ ب) هدفی مشروع را تعقیب می‌کند؟ ج) در جامعه‌ای دموکراتیک ضروری است؟
هر بار که بحث ماده هشت مطرح می‌شود، دادگاه این مراحل را از نظر می‌گذراند؛ با این حال، در پاره‌ای موارد زاید، به نظر می‌رسد که هر مورد به تفصیل بحث می‌شود؛ این امر مانع از آن نخواهد بود که قضات به صورت پی در پی، هر کدام از این معیارها را پیش از نتیجه گیری بررسی کنند. در این نوشتار مسائل طرح شده در جریان این دو مرحله بررسی خواهند شد.

مرحله اول بررسی قابلیت اعمال ماده هشت

این موضوع، همواره محمل طرح ادعاهای فراوانی در خصوص نقض ماده ۸ کنوانسیون مزبور، یعنی حق بر حریم خصوصی بوده است.

عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در رابطه با این ماده، هرچند به سمت حق بشری مزبور، سنگینی می‌کند، مشکلات و موانعی پیش رو داشته است. این دیوان در وهله نخست با حاکمیت‌های مقتدر روبه رو بوده است که در هنگام صدور آراء، همواره باید به جایگاه و واکنش احتمالی آنان توجه می‌کرد و هم اینکه نمی‌توانست بی‌محابا حکم به محکومیت آنان بدهد. از طرف دیگر، رویه دیوان نمی‌توانست همیشه یکسان و یک شکل باشد که این هم به دلیل ملاحظات گوناگون دیگری است که دیوان را در هنگام صدور رأی با چالش روبه رو می‌کرد.

بر اساس موارد فوق، چند معیار، مانند ضرورت احترام به حق بشری، توانایی دیوان در تفسیر کنوانسیون، یگانه مرجع ناظر کنوانسیون بودن و رویارویی با حاکمیت‌ها از مهمترین دلایلی است که بحث عملکرد عادلانه دیوان را به میان می‌کشد و اینکه آیا بی‌طرفی و ثبات و اقتداری در رویه دیوان دیده می‌شود یا خیر و این مسئله، ضرورت تحلیل عملکرد این نهاد و احیاناً نقد آن را پیش می‌کشد.

نتیجه گیری

تروریسم پدیده‌ای است چند وجهی و چند بعدی، به این معنا که هم فهم ریشه‌ها، خاستگاه، شاخص‌ها و مصادیق آن و همچنین شناخت راهکارها و شیوه‌های مؤثر برخورد و مقابله با آن می‌بایستی به دور از نگاه‌های تک بعدی و یکجانبه گرایانه باشد. در غیر اینصورت اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای تروریست‌ها را علیه خود دعوت نموده‌ایم. لذا در این تحقیق پیشنهاد

گردید که توجه ویژه جهانی به طور همزمان به راهکارهای متعددی از جمله شناخت ماهوی و علی تروریسم؛ تفکیک و تمایز میان تروریسم و مقاومت (نهضت‌های آزادیبخش)؛ احترام و رعایت حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در فرآیند مبارزه با تروریسم؛ و همچنین پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی از سوی قدرت‌های بزرگ - بخصوص آمریکا - که نقش بسیار مؤثری در مبارزه جهانی علیه تروریسم بین‌الملل دارند، می‌تواند سیاست‌ها و راهبردهای جهانی ضدتروریستی را قرین موفقیت نماید و یا دست کم هزینه‌های تأمین امنیت بین‌الملل را که به شدت از سوی سازمانهای تروریستی بین‌المللی مورد خدشه و تهدید قرار گرفته است را کاهش دهد.

بنابراین لازم و ضرورت به نظر می‌رسد که تمام اعضای جامعه بین‌الملل بدون هیچ قید و شرطی تروریسم را در تمام اشکال آن محکوم کنند که متأسفانه تاکنون حتی در بیان مصادیق موازین انسانی و ارزشهای مشترک و میراث جهانی است. با این حال، حفظ حقوق ملت‌ها علیه استعمارگری و اشغالگری خارجی، خط قرمز آنها در حقوق و راهبرد جهانی مبارزه با تروریسم تلقی می‌شود؛ اما جهان غرب به رغم این رویه‌ها، بر مواضعی یکسویه اصرار داشته و در این خصوص تعدیل و اعتدالی را از خود نشان نداده است. از همین رو است که وضعیت تروریسم و نظام کنش، پیشگیری واکنش در قبال آن، در وضعیت مبهم و متناقض کنونی باقی مانده و هر گروه و بلوکی، مواضع خود را تنها تدبیر صحیح مدیریت این عرصه می‌شمارد. باید توجه داشت که یک مسئله مهم بین‌المللی همانند تروریسم صرفاً از طریق همکاری و معاضدت بین‌المللی محو و ریشه کن خواهد شد. در نهایت به نظر می‌رسد تروریسم به عنوان مهمترین و اساسی‌ترین چالش امنیتی دنیای جهانی شده ما در قرن بیست و یکم باقی خواهد ماند؛ اما از دیدگاه امنیتی، آنچه که تروریسم را به عنوان یک تهدید جدی مطرح می‌سازد، میزان تخریب، ارباب یا مسائل دیگر تروریسم نیست، بلکه نحوه پاسخگویی و واکنش به تروریسم به عنوان یک تهدید مطرح می‌باشد. عدم تناسب و مطابقت استراتژی‌های طراحی شده نظامی برای مقابله و پاسخگویی به تروریسم در این جایگاه بسیار اساسی و حیاتی است. بر این اساس اگر انطباق و سازگاری میان چالش و واکنش وجود نداشته باشد، فروپاشی تمدن از سوی تروریست‌ها حتمی و قطعی است؛ و این مهم ضرورت تدوین استراتژی جهانی مناسب و متناسب با توانایی و میزان اراده و انگیزه دولت‌ها و تروریست‌ها را توأمان مضاعف می‌نماید.

حق بر حریم خصوصی که در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شناسایی شده است در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، دستخوش تحولاتی اعم از مثبت و منفی شده است. این تحولات که گاه، رو به جلو و گاه در معرض انتقاداتی بوده است، موضوع این پژوهش بود.

با نگاهی در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر ملاحظه میشود که عملکرد دیوان در خصوص تحقق اجرای مفاد ماده ۸ در کلیت امر، یکسان، قاطع و حق محور بوده است. دیوان در برخورد با پرونده‌های موضوع ماده ۸ به طور کلی، وزنه حقوق خواهان در موضوع را سنگین‌تر کرده و سعی در شناسایی حقوق ادعایی کرده است.

دیوان در رویه خود، در مورد بند ۱ ماده ۸، علاوه بر اجرا و اعمال عین مقررات این ماده، توانسته است گونه‌ای از تعهدات ایجابی را که به طور ضمنی در این ماده موج می‌زند، عینیت بخشیده و شناسایی کند. همچنین دیوان در خصوص مصادیق مفاهیم مندرج در این بند، همان طور که در پرونده‌های متعدد و از جمله کاپلند دیده می‌شود، نظر بر توسعه مصادیق داشته و در رویه خود، دامنه شمول حقوق مندرج در این بند را گسترش داده است.

در رابطه با بند ۲ ماده ۸، دیوان، نظر به استثنایی بودن مقررات آن بند به فراخور حساسیت موضوع، حساس بوده و با دقت به بررسی ادعاهای خواندگان بر مبنای این بند می‌پردازد و هرچند موارد اندکی یافت میشود که از برخی ادعاها به سادگی عبور می‌کند و هرچند شاید بتوان گفت که در تشخیص ضرورت‌های جامعه دموکراتیک، ضعیف عمل کرده است، اما رویه کلی دیوان این بوده است که در مورد این بند، محتاط و دقیق بوده است و به هیچوجه، استثنائات مقرر را برخلاف بند ۱، گسترش نداده و تفسیر موسعی از آن نکرده است.

جز انتقادهای اندکی که در شرح مباحث دیده شد، عملکرد دیوان در خصوص حق بر حریم خصوصی، رضایتبخش و منطبق بر اصول حقوق بشری و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است.

انتقادهای مزبور نیز عموماً بر محور ارزیابی‌هاست، یعنی جز اینکه دیوان در رویه کلی و کلان خود، یکسان عمل کرده، در پاره‌ای موارد در هنگام ارزیابی‌ها و کنترل ارزیابی‌های دولتی، دچار ضعف بوده و قدری نامتوازن عمل کرده است که به نظر نگارنده، هرچند می‌تواند عملکرد کلی دیوان را در برخی موارد تحت الشعاع قرار داده و به چالش بکشد، بر انطباق کلی آن با موازین حقوق بشر و کنوانسیون، چندان خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

منابع

۱. آرنه، هانا (۱۳۸۶)، توتالیتاریسم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات جاویدان
۲. آشوری، داریوش (۱۳۸۳)، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید.
۳. استون، فردینانداف (۱۳۸۰)، نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده آمریکا، ترجمه حسین صفائی، تهران، امیرکبیر.
۴. ساعد، نادر و کدخدایی، عباسعلی (۱۳۹۳)، تروریسم و مقابله با آن، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هفتم، شماره ۲۵
۵. عامری، داود (۱۳۹۰)، صلح عادلانه، راهکار مقابله با تروریسم، تهران، انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی
۶. عبداللهی، محسن (۱۳۹۴)، تروریسم: حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۷. عمید، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ جیبی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲۱
۸. قادری کنگاوری، روح الله (۱۳۹۰)، نقض حقوق بشر و گسترش تروریسم، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۱
۹. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر دادگستر و نشر میزان، چاپ چهارم.
۱۰. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان.
۱۱. کلاپهام، اندرو (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای کوتاه بر حقوق بشر، ترجمه مینو آقایی خوزانی، تهران، نشر گرایش
۱۲. متین دفتری، احمد (۱۳۴۸)، حقوق بشر و حمایت بین‌المللی از آن، تهران، بی‌نا.
۱۳. معین، محمد (۱۳۸۹)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات زرین.
۱۴. مصطفی زاده، فهیم (۱۳۸۵)، شناخت و بررسی حق خلوت به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی، مجموعه مقالات، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول.
۱۵. ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۸۲)، اعلامیه‌های حقوق بشر، تهران، انتشارات مجد.
۱۶. نیس بام، هلن (۱۳۸۱)، حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر اطلاعات، ترجمه عباس ایمانی، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۲.
۱۷. وایت، راب؛ هینس، فیونا (۱۳۸۲)، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه میر روح الله صدیق بطحائی اصل، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول.
۱۸. هارلو، کارل (۱۳۸۳)، شبه جرم، ترجمه کامبیز نوروزی، تهران نشر میزان، چاپ اول.
۱۹. هاشمی، سید حسین (۱۳۹۰)، تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۰. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.

21. Barrington Moor, Jr (1984), Privacy studies in social and cultural History, New York, M. E. Sharpe.

22. CALO, M.R. (2011), The Boundaries of Privacy Harm, INDIANA LAW JOURNAL, Vol. 86: 1

23. Chlopecki, M. (2002). The property Rights origins of privacy Rights, <http://www.libertyhaven.com>.
24. Decew, Jueith (1998). Inpursuit of Privacy: Law, Ethics and the Rise of Thechnology. Ithaca, cornell University pres.
25. Gavison, Ruth (1980). Privacy and the Limits of law. Yale law jornal, no 89.
26. Gerty, Tom (1977). Redefining privacy, Harvard civil Rights civil liberties law review 12.
27. Mackinnon, Catherine (1989). Toward a Feminist Theory of the State, Cambridge, M.A, Harvard University Press
28. Moore, Adam (2008), Defining Privacy, JOURNAL of SOCIAL PHILOSOPHY, Vol. 39 No. 3, 411-428.
29. Oxford advanced learner's Dictionary (1989). Oxford university press, fourth edition.
30. Parent, William (1983). Privacy, Morality, and the law philosophy and public affairs, Vol 12, no. 4 Princeton University press.
31. Reiman, Jeffery (1979). Privacy, Intimacy and Person hood, philosophy on public Affairs. No1.
32. Thomson, Judith Jarvis (1979). The Right to Privacy, Philosophy and Public Affairs 4,No 4
33. Warren, Samuel D, Brandeis, Louis D, (1890). The Right to Privacy, Harvard Law Review, Vol. IV December 15, No. 5.

The Necessity of Protecting the Right to Privacy in the Fight Against Terrorism

Ahmadreza Soleiman Zadeh ¹, Shabnam Berenji ²

1- Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Urmia Branch

2- Master of International Law, Islamic Azad University, Urmia Branch (Corresponding Author)

Abstract

In this research, the necessity of protecting the right to privacy in the fight against terrorism has been investigated. According to the applied purpose of the research, the library research method has been used. It can be said that recent events in the Middle East and Europe, especially the ISIS terrorist group in France and the Middle East conflict and conflict and the flood of migrants and refugees in Europe, have brought Green Governments, as well as human rights institutions, into a series of threats that they Has inevitably imposed restrictions and security measures. Certainly, these measures limit the rights of citizens and, in particular, their personal lives are influenced by interventions and evaluations of the ruling powers. Citizens' privacy is also being intercepted and restricted. It is clear that the right to privacy, both in the context of other international human rights instruments and in the context of the European Convention on Human Rights, is not an inalienable right, and this right can be limited in exceptional circumstances. Therefore, in the current state of affairs in Europe, the member states can only restrict the right to privacy of citizens and can not, of course, arbitrarily benefit from Article 15, and only if the conditions for invoking Article 15 of the Convention are met. Intervene in the rights of citizens. Thus, according to the criteria established by the Court and the European Commission for Human Rights, the French Government's action in response to recent terrorist attacks appears to be justified and accepted in the context of Article 15 and the Code of Practice, but since US counterterrorism operations The manner in which it was said is not extremely unenforceable, if brought to the privacy of citizens, will certainly not be in line with human rights standards.

Keywords: Privacy, Terrorism, Human Rights
